



کالبدشکافی ساختاری - روایی و بازتاب‌های سیاسی
نمایش مستند «نازا» در فستیوال ونیز

اتوماسیون
جنایت

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.471 | THU.SEP.17, 2026 | ISSN:2008-2886

| ۱۹۲۲ سال و ۲۷ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



رئیس کمیسیون اروپا: از زمان آغاز جنگ علیه ایران، اتحادیه ۹۰ میلیارد یورو
هزینه اضافه برای واردات سوخت‌های فسیلی پرداخت کرده است

صورت‌حساب گران جنگ با ایران
برای اروپا

صفحه ۳

پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵ | ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۱۱ | صفحه ۱۰ هزار تومان

تیترهای امروز



چگونه خلاقیت راهبردی و تاکتیکی ایران
برتری مادی دشمن را به چالش کشید؟

دفاع ایرانی

از ساختار دفاعی تا شبکه مقاومت ایران
چرا آمریکا با یک بحران راهبردی روبه‌رو شده است؟

پنتاگون مبهوت
معمای ایرانی

صفحه ۲

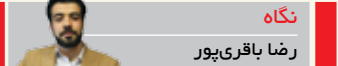
گزارش «وطن امروز» از گسترش اعتراضات
در مناطق مختلف سوریه

شام
علیه جولانی

صفحه ۳

چرا ایران نباید اجازه دهد آمریکا جنگ را به یک
دوئل نظامی میان تهران و واشنگتن تقلیل دهد؟

گسترش میدان نبرد



نگاه

رضا باقری‌پور

جنگ‌ها همیشه آنگونه پیش نمی‌روند که طراحان اولیه آنها تصور می‌کنند. یکی از مهم‌ترین خطاهای راهبردی قدرت‌های بزرگ آن است که گمان می‌کنند با انتخاب میدان نبرد، تعریف دشمن و تعیین مرکز ثقل درگیری، می‌توانند مسیر جنگ را نیز تا حد زیادی کنترل کنند.

در جنگ‌های کلاسیک، این تصور تا حدودی منطقی است؛ ۲ طرف اصلی مشخصند، جغرافیای نبرد قابل شناسایی است، زنجیره فرماندهی روشن است و فشار نظامی را می‌توان عمده‌ترین بر مجموعه‌ای محدود از اهداف متمرکز کرد اما بحران‌های نظامی امروز - به‌ویژه در غرب آسیا - بیش از آنکه شبیه دوئل باشند، شبیه شبکه‌ای از فشارهای همزمانند.

تحولات روزهای اخیر یمن شاید یکی از روشن‌ترین شواهد این تغییر باشد؛ جنگ ایران و آمریکا، دست‌کم در سطح آثار راهبردی، دیگر صرفاً یک جنگ میان ۲ پایتخت نیست، این جنگ در حال تبدیل شدن به مجموعه‌ای از میدان‌های بهم‌پیوسته است که در هر کدام بازیگران، منافع، جغرافیا و منطق خاص خود را دارند.

آنچه طی روزهای گذشته در یمن رخ داده، از این منظر اهمیت بسیار بیشتری از یک جابه‌جایی معمول در خطوط تماس دارد. انصارالله در ادامه عملیات خود در ساحل غربی یمن، شهر بندر مخلا را تصرف و بنا بر گزارش‌های منتشرشده، به پیشروی کرده و بنا بر گزارش‌های منتشرشده، به جزایر میون و پریم و سپس جزایر حنیش دست یافته است.

در همین حال، حملات به زیرساخت‌های انرژی عربستان نیز ادامه یافته و ریاض از توقف موقت خط لوله شرق-غرب پس از حملات پهبادی خبر داده است. روی نقشه، اینها مجموعه‌ای از رخداد‌های محلی‌اند اما از نظر راهبردی، کنار هم قرار گرفتن آنها به معنای فشار بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های تجارت و انرژی جهان است.

رویتزر نیز در گزارش‌ش اخیر خود تأکید کرد پیشروی حوثی‌ها در سواحل دریای سرخ نزدیکی آنها به باب‌المندب، اهرم فشاری تازه‌ای بر صادرات نفت عربستان و تجارت جهانی ایجاد کرده است. اهمیت این تحول از آنجا بیشتر می‌شود که حتی برخی اندیشکده‌های نزدیک به جریان نومحافظه‌کار و امنیتی آمریکا آن را نه یک مساله فرعی در جنگ یمن، بلکه یک تغییر در هندسه جنگ منطقه‌ای توصیف کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۴

هم تجمعی شکل بگیرد، ذیل منطق رویدادهای تفریحی مصرف‌محور یا کارنوال‌های گذرا تعریف می‌شود که هدف غایی آن، تخلیه هیجانی جامعه و تداوم آرامش چرخه اقتصاد سرمایه‌داری است.

در نقطه مقابل، جامعه‌شناسی انتقادی و سنت مارکسیستی، خیابان را از زاویه تضاد طبقاتی و نزاع بی‌پایان با هسته قدرت می‌نگرد. در این دیدگاه که متفکرانی چون «نری لوفور» در بحث «حق به شهر» یا «ریک هابزبام» و «دیوید هاروی» آن را بسط داده‌اند، خیابان صرفاً زمانی معنای حقیقی می‌یابد که به صحنه تخصص، مسدودسازی، برپایی سنگر و مواجهه ویرانگر توده با حاکمیت تبدیل شود. چپ‌ها خیابان را اساسا به پهنه خیابان رخ می‌دهد، بازتولید یک کلان‌نظریه جدید در جامعه‌شناسی سیاسی و فلسفه فضا؛ پدیده‌ای که خیابان را از یک عنصر کالبدی خنثی یا عرصه منازعه قدرت، به کنشگر معنابخش، پیوندزنده و بازدارنده تبدیل می‌کند. برای فهم این پدیده شگرف، ناگزیر باید نسبت میان انسان، فضا و حاکمیت را در ۲ گستره فکری شرق و غرب، با منطق بومی و الهی انقلاب اسلامی بازخوانی کرد.

■ فتیشیسم کالا و تقلیل انسان به سوره مصرف در منطق لیبرال

در تاریخ اندیشه اجتماعی غرب، مفهوم فضای عمومی، به‌ویژه خیابان عمده‌ترین ۲ پارادایم مسلط چپ (مارکسیستی و انتقادی) و راست (لیبرال - کاپیتالیستی) دست‌به‌دست شده است.

در نظریه شهری لیبرالیسم، خیابان شانی جز تسهیل گردش سرمایه ندارد. خیابان در این رویکرد، امتداد منطق بازار است؛ معبری است که در آن «بدن‌ها» صرفاً از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابه‌جایی می‌شوند تا چرخه‌های تولید و مصرف صنعتی متوقف‌نماند. خیابان تکنوکراتیک و لیبرال، تلاشی مداوم برای سیاست‌زدایی از فضا است. در اینجا انسان‌ها به اتم‌های منزوی و سوره‌های مصرف‌کننده بدل می‌شوند که در پیاده‌روها پرسه می‌زنند (پدیده فلائور)، و پرتین‌ها را نظاره می‌کنند و زمان خود را در ازای تجربه کالا به فروش می‌رسانند. فضا در این دیدگاه، فاقد روح جمعی، عاری از امر قدسی و بیگانه با پیوندهای ایمانی است. اگر

۲- نفی‌کننده دوگانه ملت-دولت (مردم و حاکمیت)

است: بزرگ‌ترین بن‌بست تئوری‌های غربی در مواجهه با ایران این است که آنها رابطه حاکمیت و جامعه را رابطه‌ای «صفر و یک» و مبتنی بر بازی حاصل‌جمع صفر می‌دانند. در این چارچوب، حضور مردم در خیابان باید ماهیتا «علیه» ساختار باشد اما پدیده حضور میلیونی و تداومدار ۲۰۰ شبی مردم در خیابان‌های ایران در حمایت از آرمان‌های مقاومت و انقلاب، این پیش‌فرض را در هم شکست. خیابان در جمهوری اسلامی، محل بازتولید مشروعیت جوشیده از ایمان و عرصه بیعت مجدد امت با راهبرد ولایت است. خیابان دیگر در برابر دولت نیست، بلکه در کنار ارکان حاکمیتی و بالاتر از آن، روح‌بخش و جهت‌دهنده به رفتار کارگزاران نظام است.

۳- تولیدکننده همبستگی علیه گسست اجتماعی است: سرمایه‌داری جدید و جنگ شناختی دشمن، با سلاح فردگرایی افراطی و ایجاد شکاف‌های هویتی، قومی و طبقاتی، جامعه را به ذرات تک‌افتاده تبدیل می‌کند. خیابان انقلاب اسلامی، پادزهر این تجزیه اجتماعی است. وقتی اقشار مختلف از دانشگاهی و حوزوی تا کارگر و کاسب، با تنوع سلاقی اما حول محور هویت ملی و دینی شانه به شانه هم حرکت می‌کنند، فرایند جامعه‌سازی توحیدی محقق می‌شود. این خیابان، آفریننده ملت منسجم است.

۴- عنصر استراتژیک قدرت در عصر جنگ ترکیبی است: امروز در مباحث امنیت ملی، خیابان دیگر صرفاً بستر انتقال نیرو با تردد خودروها نیست؛ خیابان، خود به یک سامانه پدافندی و آفندی در جنگ ترکیبی ارتقا یافته، نظام سلطه سال‌هاست با تکیه بر پروپاگاندا، رسانه‌ای، تلاش می‌کند جامعه ایران را «خسته»، «منفعل» و «بریده» از آرمان‌ها» تصویر کند. دشمن در اتاق‌های عملیات روانی خود چنین محاسبه می‌کند که با فشارهای همه‌جانبه اقتصادی و تهدیدهای نظامی، بدنه اجتماعی از پادرمی‌آید و پیوند جامعه با حاکمیت گسسته می‌شود. در چنین فضای غبارآلودی، حضور ممتد و استوار مردم در میدان‌ها و معابر، ورق را برمی‌گرداند. این حضور دکتربین بازدارندگی اجتماعی را فعال می‌کند. محاسبات ژئوپلیتیک غرب متکی بر شمارش موشک‌ها، پانفدها و ناوهای جنگی

است اما ایران اسلامی، ضلع سومی به هندسه قدرت افزود که برای پنتاگون و ناتو تعریف‌نشده است: عمق راهبردی درون‌مرزی متکی بر حضور خیابانی، تحلیلگر غربی که پرتابه‌های نقطه‌زن ایران را می‌بیند، وحشت‌زده می‌شود اما آن پدیده‌ای که پایه‌های تصمیم‌گیری تهاجمی دشمن را فلج می‌کند، خیابان‌هایی است که به تسخیر اراده و غیرت ایمانی درآمداند. پیامی که از خیابان مخابره می‌شود این است که این ملت برای مقاومت هزینه می‌دهد و بر سر شرف و خاک خود معامله نمی‌کند.

۵- خنثی‌کننده کودتاها و شناختی است: دشمن با میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری تلاش می‌کند از طریق شبکه‌های مجازی، واقعیت ملموس ایران را وارونه نشان دهد و تصویر جامعی فروپاشیده را حقیقه کند اما وقتی میلیون‌ها انسان با چهره‌های مصمم، کودکان در آغوش و پرچم‌های برافراشته، در روزها و شب‌های متوالی نبض خیابان را به دست می‌گیرند، واقعیت عینی بر توهم مجازی پیروز می‌شود. حقیقت خیابان، باطل السحر سناریوهای تجزیه‌طلبانه و براندازانه است.

۶- تبدیل‌کننده سرمایه عاطفی به قدرت راهبردی است: جلوده‌هایی که این روزها و در برهه‌های سرنوشت‌ساز در خیابان‌ها دیده می‌شود، از توزیع نذورات و مواسات گرفته تا سرودخوانی‌های جمعی و اعلام حمایت از جبهه مقاومت، تبدیل عواطف دینی به انرژی فعال سیاسی است. خیابان این انرژی را مهار و به یک خروجی استراتژیک هدایت می‌کند؛ انرژی‌ای که پیامش هم‌امیدبخشی به رزمندگان خطوط مقدم نبرد در یمن، لبنان و فلسطین است و هم هشدار به متجاوزانی که چشم‌طمع به این خاک دوخته‌اند. ۷- تجلی‌ساز جامعه ایمانی در مواجهه با تهدیدات اگزیستانسیالیستی است: حضور بی‌وقفه، شجاعانه و حماسه‌ساز مردم ایران در امتداد روزها و شب‌ها، حتی در اوج لغاضی‌های دشمنان و باران توطئه‌ها نشان از نوعی بلوغ تمدنی دارد. در طول تاریخ معاصر جهان، کمتر ملتی را می‌توان سراغ گرفت که در مواجهه با محاصره اقتصادی، فشارهای فراینده بین‌المللی و تهدیدات مستقیم نظامی، واکنش خود را نه در انزوا، نه در احتکار، نه در غارت و نه در شورش کور علیه هویت خود، بلکه در تجمع، انسجام، پیوند

بسا ولایت و اعلام پایداری در خیابان بازتعریف کند. این رفتار جمعی حاصل یک میراث عمیق تاریخی-معرفتی است. این ملت آموخته کرپلا در انزوا تکرار می‌شود و برای عاشورایی نشدن تاریخ، باید در میدان حاضر بود. خیابان انقلابی تجلی‌گاه اصل قرآنی «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَآلَیْهِنَّ مَغَّةٌ اَشْدَّ اَلٰی الْکَفَّارِ حُمْأَ بَیْنَهُمْ» است؛ رحماء بینهم در همدلی، مدارا و اخوت عمیق مردم نسبت به یکدیگر در درون این فضا اشداء علی الکفار در مشتهای گره‌کرده و فریادهای رسایی که از حجره خیابان به سمت کاخ‌های استکبار شلیک می‌شود. جامعه‌شناسان آینده‌اگر بخواهند پدیده بقا و درخشش جمهوری اسلامی در یکی از پرتالطم‌ترین دوران‌های غرب آسیا را کالبدشکافی کنند، ناچار خواهند بود پژوهش‌های خود را از تحلیل صرف پشت میزنشینی یا اسناد دیپلماتیک فراتر ببرند. آنها باید خشت‌خشت خیابان‌های این سرزمین را مطالعه کنند؛ خیابان‌هایی که در آنها قطره‌ها جمع شدند، دریا ساختند و هندسه قدرت جهانی را وادار به تعظیم در برابر اراده خدا و ملت مستقل کردند. در جغرافیای ایران اسلامی، خیابان به سرمایه نمادین، هسته سخت قدرت ملی و آینه‌ای از جوهره تسلیم‌ناپذیر یک ملت مؤمن ارتقا یافت.

۸- محل ظهور ملت شجاعی است که موجب سرافرازی ایرانیان: این حقیقت که مردم ایران توانسته‌اند تهدیدات ترکیبی و سناریوهای آشوب را به فرصتی برای تجدید میثاق، تقویت روحیه مقاومت و تولید بازدارندگی استراتژیک تبدیل کنند، دستاورد فکری و عملی انقلاب اسلامی است. وظیفه اهل قلم، اندیشمندان و روایان حقیقت در این مقطع، شکستن انحصار الگوهای ترجمه‌ای و فرموله کردن این تجربه بی‌همتاست. باید نشان داد چگونه ایمان جمعی و عقلائیت انقلابی توانست فضا را به بنیادی‌ترین رکن ایستادگی تاریخی این مرزوبوم در برابر متجاوزان و ستم‌پیشگان جهان بدل کند. این خیزش نورانی و پیوند وثیق میان آحاد مردم و آرمان‌های متعالی‌شان، تضمین‌کننده نهایی عبور سرفرازانه ایران از گذرگاه‌های سخت تاریخ به سوی قله‌های تمدن نوین اسلامی است.

@vatanemrooz



در شبکه‌های اجتماعی